



موضوع خطابت روز جمعه

و تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۲۲ / شوال المکرم / ۱۴۴۴ هـ، ق موافق ۲۲ / ثور / ۱۴۰۲ هـ، ش

منع بدفالی و حکم نکاح کردن بین عیدین در اسلام

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمدا عبده ورسوله صلى الله عليه وعلى آله ورضي عن صحابته وأتباعهم إلى يوم الدين، أما بعد:

قال الله سبحانه وتعالى في محكم كتابه وهو اصدق القائلين: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ} آل عمران: (۱۰۲)

وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (اللَّهُمَّ لَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُكَ وَلَا طَيْرَ إِلَّا طَيْرُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ). مسند أحمد

در زمان جاهلیت در بین مردم بدفالی موجود بود. وقتیکه کسی به سفر میرفت یا اراده انجام کاری رامیکرد بدفالی میگرفت و به اثر این بدفالی از سفر واز اراده انجام آن کار منصرف می شد.

در زمان جاهلیت کسی که اراده کدام سفر رامیکرد به پرنده نیک فالی و بدفالی میگرفتند که اگر پرنده به طرف راست پرواز میکرد به آن سفر ادامه میداد و اگر پرنده به طرف چپ پرواز میکرد از سفر منصرف می شدند و این را فال بد می دانستند.

در زمان جاهلیت به اشیای مختلف بدفالی گرفتن موجود بود مثلاً به بعضی پرندهگان بدفالی میگرفتند مانند بوم، زاغ و غیره از این جهت در لسان عربی بد فالی را (طیره او تشاؤم) گفته می شود و به بعضی روزها و ماه ها نیز بد فالی میگرفتند مانند ماه شوال و صفر که تا امروز این نوع بد فالی در بین بعض مردم موجود است. که در ماه صفر و شوال عروسی نمی کنند همچنان بدفالی گرفتن به ماه صفر و به روز سیزدهم ماه، و به روز چهارشنبه بدفالی میگرفتند، و بدفالی گرفتن به نامها تا آن حدی که بعضی مردم به آوازهها و کلمات بدفالی میگرفتند مانند بدفالی گرفتن به کلمات (هلاکت) و (سوء) و بدفالی گرفتن به اشکال قبیح مانند پیرزن.

وقتیکه دین مقدس اسلام آمد و از بدفالی ها منع کرد تا اینکه بدفالی را شرک گفت.

بد فالی در امت های گذشته هم سابقه دیرینه دارد که کافران به پیامبران بد فالی میگرفتند.

بنی اسرائیل به حضرت موسی علیه السلام بدفالی میگرفتند الله تعالی میفرماید: {فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ} {الاعراف: (۱۳۱)}

ترجمه: پس هنگامیکه به آنها نعمتی میرسید میگفتند این بخاطر ما است و اگر به آنها مصیبتی میرسید میگفتند این از شومی موسی و همراهان او است مطلع باشید آن شومی را که به موسی نسبت دادند از نزد الله است زیرا (هر خیر و شرناشی از قضا و قدر اوست) ولی بیشتر مردمان نمی دانند.

ثمودی ها به حضرت صالح علیه السلام گفتند: {قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ} {النمل: (۴۷)}

ترجمه:- ما از تو و همراهانت شگون بد گرفته ایم (صالح) گفت طالع بد شما (و خیر و مصیبتی که به شما میرسد همه از) نزد الله است بلکه شما (به سبب این مصائب) گروهی هستی که مورد آزمایش قرار میگیرید.

مشرکین مکه نیز به رسول الله صلی الله علیه وسلم بد فالی میگرفتند الله جل جلاله میفرماید: {وَإِنْ تُصِيبَهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا} {النساء: (۷۸)}

ترجمه:- و اگر به آنها نعمتی رسد میگویند این از نزد الله است و اگر به آنها محنتی رسد میگویند این از نزد تو است بگوئیم از نزد الله است چه شده است این قوم را که نزدیک نیستند تا سخن را بفهمند.

در زمان فعلی در افغانستان هم مانند زمان جاهلیت مرض بد فالی در بین مردم باقی مانده است مانند بد فالی گرفتن به روز چهارشنبه بد فالی گرفتن به ماه صفر و شوال که مردم در این ماه ها عروسی نمیکنند و عروسی کردن را در این ماه ها عامل بد بختی می دانند. و همچنان ماه صفر را ماه خیر و برکت نمی دانند بعضی مردم عروسی کردن را در میان دو عید کار خوب نمی دانند و حتی عروسی کردن را در بین دو عید نامشروع می دانند که این مرض هم از زمانهای گذشته باقی مانده و همچنان به آواز های بد و نامهربان بد فالی گرفته میشود. به عروس بد فالی گرفتن در این زمانه عادت مسلمانان است. اگر زنی به یک خانواده عروسی می شود و در روزهای اول عروسی به آن خانواده مصیبت و تکلیف پیش شود آنها میگویند که قدم این زن بد بخت است. به بعضی روزهای هفته حساب کردن پول و بعضی معاملات سفر نکردن و آن روز را بد بخت شمردن بعضی مردم گذاشتن یک پای به پای دیگر را شگون بد می شمارند. بعضی مردم صدای انگشترها را کشیدن شگون بد می شمارند که این همه چیزها در اسلام نیست و باید مسلمانان از این بدفالی ها خود داری کنند. و در بعضی مردم این رسم و رواج است که جارو کردن خانه را در نماز دیگر شگون بد می شمارند. و یا در هنگام سفر جارو کردن را شگون بد میدانند. مناسب است که مسلمانها مانند کفار و هندوها بدفالی نگیرند و از هر نوع بدفالی خود را حفاظت کنند.

ضررهای بدفالی:

حقیقت بد فالی این است که این یک بدگمانی محض است و به آن اشیان نسبت بدی کردن که در عالم اسباب آن اشیا به خوبی و بدی کارها هیچ نوع تأثیری ندارند.

۱. بد فالی آن عملی است که عقیده انسان را متزلزل ساخته و به عقیده توحید مسلمان ضرر میرساند .
۲. در بد فالی گمان بد کردن به الله تعالی است .
۳. در بدفالی وابستگی قلب بغیرالله است که این یک کار خطرناک است . زیرا که به بد فالی عقیده به اسباب وابسته می شود و اسباب را موثرحقیقی شماریده میشود ، که در حقیقت این عقیده بغیرالله است . از همین جهت در احادیث بدفالی را شرک گفته شده است .
۴. در بدفالی شیطان به انسان مسلط میشود و همیشه وسوسه های گوناگون القامیکند .
۵. همچنان بدفالی توکل بنده را به الله تعالی ضعیف میکند و کسی که توکل او به الله تعالی ضعیف شود در تمام زندگی خود مضطرب می شود و کمک الله تعالی به او نمی باشد .
۶. به بدفالی گرفتن انسان همه وقت توقع بلا های مختلف را دارد .
۷. بدفالی از انسان تصمیم و عزم راسخ او را میگیرد .
۸. به بدفالی بجای کامیابی ناامیدی به میان می آید .
۹. بدفالی بکسی نه خیر می رساند و نه شری .
۱۰. بد فالی گرفتن دلیل ضعف عقل است .

نیک فالی گرفتن جایز است :

در مقابل بدفالی نیک فالی است که آن جایز است .

حقیقت فال نیک این است که کسی اراده یک کار معین را بکند و بدون قصد چیزی بشنود و یا چیزی را ببیند و به این چیز که دیده و یا شنیده خوشحال شود و در انجام آن کار اطمینان قلب او زیاد شود و این فکرواندیشه را کند که به کمک الله تعالی انجام این کار را خوب بشمارد .

اگر کسی انجام کار را بخواهد و بعد از اراده الفاظ نیک را بشنود و یا چیزی را ببیند که آن به قلب انسان خوشی می بخشد که انجام این کار را خوب و از برای خیر و برکت فال نیک بگرداند در این کدام گناه نیست .

در فال نیک ترک کردن کار نیست بلکه در باره کار خود خوشحالی قلب و اطمینان نصیب او می شود .

در فال نیک توکل به الله تعالی و گمان نیک موجود است که در این امید انجام کار خوب و خیر برکت هم نهفته است .

حرمت بدفالی و جواز نیک فالی در نصوص :

طوریکه قبلاً گفتیم نیک فالی جایز و بدفالی حرام و ناروا است .

الله جل جلاله قباحت بد فالی امت های گذشته را بیان کرده است .

طوریکه الله تعالی میفرماید: {فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ} الاعراف: (۱۳۱)

الله تعالی میفرماید: {قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ} النمل: (۴۷)

در حدیث شریف آمده است: عن أنس - رضي الله عنه - قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : (لَا عَدْوَى وَلَا طَبِيرَةَ ، وَيُعْجِبُنِي الْقَالُ . قَالُوا : وَمَا الْقَالُ ؟ قَالَ :) كَلِمَةٌ طَيِّبَةٌ . متفق عليه

ترجمه:- از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: (بدون اراده الله تعالی) انتقال و سرایت امراض و بدفالی نیست و مرا به تعجب می آورد فال نیک . صحابه کرام فرمودند که فال نیک چیست ؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: فال نیک سخن نیک است .

در روایت مسلم آمده است : (قال الكلمة الصالحة يسمعها أحدكم) فال نیک آن سخنی نیکی است که میشوند آن را یکی از شما .

در حدیث شریف آمده است که بد فالی گرفتن به ماه صفر نیست. نبی علیه السلام فرموده است : (لَا عَدْوَى وَلَا صَفْرَ وَلَا هَامَةً) . متفق علیه

ترجمه:- (بدون اراده الله تعالی) سرایت امراض نیست و به ماه صفر و به پرنده هامه بدفالی گرفتن نیست .

در یک حدیث دیگر آمده است : (عن عروة بن عامر - رضي الله عنه - قال : ذُكِرَتِ الطَّيْرَةُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - ، فَقَالَ : (أَحْسَنُهَا الْقَالُ . وَلَا تَرُدُّ مُسْلِمًا إِذَا رَأَى أَحَدَكُمْ مَا يَكْرَهُ ، فَلْيَقُلْ : اللَّهُمَّ لَا يَأْتِي بِالْحَسَنَاتِ إِلَّا أَنْتَ ، وَلَا يَدْفَعُ السَّيِّئَاتِ إِلَّا أَنْتَ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ) رواه أبو داود بإسناد صحيح .

ترجمه:- از عروه ابن عامر رضی الله عنه روایت است او میگوید در حضور پیامبر علیه السلام بد فالی ذکر شده پیامبر علیه السلام فرمودند : از بد فالی کرده نیک فالی بهتر است مسلمان را از اراده اش باز نگرداند . و قتیکه یکی از شما چیزی را دیدید که آن را بد شمردید چنین بگوید: (اللَّهُمَّ لَا يَأْتِي بِالْحَسَنَاتِ إِلَّا أَنْتَ ، وَلَا يَدْفَعُ السَّيِّئَاتِ إِلَّا أَنْتَ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ).

در یک روایت دیگر آمده است : عن بريدة - رضي الله عنه - أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - « كان لا يتطير من شيء ، وكان إذا بعث عاملاً سأل عن اسمه ؟ فإذا أعجبه فرح به ، ورئي بشر ذلك في وجهه ، وإن كره اسمه رئي كراهية ذلك في وجهه ، وإذا دخل قرية سأل عن اسمها ؟ فإن أعجبه اسمها فرح بها ، ورئي بشر ذلك في وجهه ، وإن كره اسمها رئي كراهية ذلك في وجهه) . أخرجه أبو داود

ترجمه:- از حضرت بریده روایت است که پیامبر علیه السلام هیچگاه از چیزی بدفالی نمی گرفتند و بودند هنگامیکه عاملی را (نماینده) به جای می فرستادند نام او را میپرسیدند اگر خوشش می آمد به او خوشحال می شد آثار خوشحالی در چهره مبارک دیده می شد و اگر نام او را نمی پسندید آثار کراهیت در چهره مبارک دیده می شد . و هنگامیکه در قریه ای داخل می شدند از نام او می پرسیدند اگر نام آن قریه خوشش می آمد به آن خوشحال می شد و آثار خوشحالی در چهره ایشان دیده می شد. و اگر نام او بدش می آمد آثار کراهیت در چهره شان دیده می شد.

در حدیث دیگری بدفالی را شرک گفته شده است .

عن عبد الله بن مسعود - رضي الله عنه - أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال : (الطَّيْرَةُ شِرْكٌ ، الطَّيْرَةُ شِرْكٌ ، الطَّيْرَةُ شِرْكٌ - ثلاثا - وما منَّا إلا ، ولكنَّ الله يُذهبه بالتوكل) . أخرجه أبو داود .

ترجمه:- از عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم سه بار فرمودند: بد فالی شرک است ، (نیست فردی از ما که در قلب او بدفالی پیدا می شود) البته این بد فالی به اثر توکل به الله تعالی از بین می رود .

امام ابن حجر میگوید: (وإنما جعل ذلك شركاً لاعتقادهم أن ذلك يجلب نفعاً أو يدفع ضرراً فكأنهم أشركوه مع الله تعالى). فتح الباري

ترجمه:- بد فالی از این جهت شرک شمرده شده است این عقیده را داشتند که بد فالی نفع می رساند و یا ضرر را دفع میکند گویا اینها بد فالی را به الله تعالی شریک می کردند .

در حدیث شریف آمده که نبی علیه السلام بنامهای نیک فال نیک میگرفتند. وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُعْجِبُهُ إِذَا خَرَجَ لِحَاجَةٍ أَنْ يَسْمَعَ يَا رَاشِدُ يَا نَجِيحُ { رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

ترجمه:- از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که نبی علیه السلام که خوش میدانست وقتی که برای انجام کاری می برآمد بشنود که ای راشد یا ای نجیح.

(عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ رَدَّتْهُ الطَّيْرَةُ مِنْ حَاجَةٍ فَقَدْ أَشْرَكَ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا كَفَّارَةُ ذَلِكَ؟ قَالَ: أَنْ يَقُولَ أَحَدُهُمْ: اللَّهُمَّ لَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُكَ وَلَا طَيْرَ إِلَّا طَيْرُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ). مسند أحمد

ترجمه:- عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: کسی که بگرداند بد فالی را برای دو رکردن کدام حاجت به تحقیق شرک کرده . اصحاب کرام فرمودند: ای رسول خدا! کفارہ این چه است؟ نبی علیه السلام فرمودند: که یکی از آنها بگوید: اللَّهُمَّ لَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُكَ، وَلَا طَيْرَ إِلَّا طَيْرُكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ).

شارح مؤلف طریقه محمدیه می نویسد: (وَهُوَ حَرَامٌ) بِاتِّفَاقٍ وَإِنَّمَا الْإِخْتِلَافُ فِي الْكُفْرِ كَمَا ذَهَبَ إِلَيْهِ بَعْضُ الْفُقَهَاءِ بِرِيقَةِ مُحَمَّدِيَّةٍ فِي شَرْحِ طَرِيقَةِ مُحَمَّدِيَّةٍ وَشَرِيعَةِ نَبَوِيَّةٍ

ترجمه:- بدفالی به اتفاق حرام است البته به کفر شخص بدفالی گیرنده اختلاف است بعضی فقهاء این نظر را دارند . نکاح کردن در بین دو عید مشروع و عمل غیر مکروه است.

در بین بعضی مردم این مشهور است که در بین دو عید نکاح کردن جواز ندارد و این کار را یک نوع بد فالی می شمارند .

در بین دو عید نکاح کردن وزن را عروسی کردن جایز و کار حلال است در باره شرعاً کدام مشکل نیست و گفته های مردم در این مورد بی اساس است مناسب است که ازین بدفالی ها خود را حفاظت کنند.

علامه ابن عابدین شامی رحمه الله فرموده است: [قَالَ فِي الْبُرْزَانِيَّةِ : وَالْبِنَاءُ وَالنِّكَاحُ بَيْنَ الْعِيدَيْنِ جَائِزٌ وَكُرِهَ الرَّقَافُ ، وَالْمُخْتَارُ أَنَّهُ لَا يُكْرَهُ { لِأَنَّهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ تَزَوَّجَ بِالصَّدِيقَةِ فِي شَوَّالٍ وَبَنَى بِهَا فِيهِ } وَتَأْوِيلُ قَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ { لَا نِكَاحَ بَيْنَ الْعِيدَيْنِ } إِنْ صَحَّ أَنَّهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ كَانَ رَجَعَ عَنْ صَلَاةِ الْعِيدِ فِي أَقْصَرِ أَيَّامِ الشِّتَاءِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقَالَ حَتَّى لَا يَفُوتَهُ الرَّوَّاحُ فِي الْوَقْتِ الْأَفْضَلِ إِلَى الْجُمُعَةِ). [رد المحتار]

ترجمه:- در فتاویٰ برازیه آمده است که نکاح کردن در بین دو عید جایز است اما عروسی کردن مکروه است ، وقول مختار این است که عروسی کردن هم مکروه نیست چراکه پیامبرعلیه السلام باحضرت عایشه رضی الله عنها در ماه شوال عقد نکاح کرد و در همین ماه عروسی کرد . و معنی این حدیث (لَا نِكَاحَ بَيْنَ الْعِيدَيْنِ) اگر این حدیث صحیح باشد معنی این است که نبی علیه السلام در روزهای کوتاه زمستان که بعد از ادای نماز عید در روز جمعه باز گشت کرده بخاطر اینکه رفتن به نماز جمعه در وقت افضل از ایشان فوت نشود این طور فرمودند : که در بین دو عید نکاح نمی شود (البته مراد از دو عید روز جمعه و رز عید مراد است که در روز جمعه تصادف کند).

در فتاویٰ فریدیه مفتی محمد فرید نوشته کرده ایت : (در بین دو عید نکاح کردن بدون شک و شبه وبدون کراهیت جایز است نکاح رسول الله صلی الله علیه وسلم با حضرت عایشه در همین ماه صورت گرفته بود و(لا نکاح بین العیدین) اول اینکه حدیث نیست یا اینکه مراد از این جمعه ونماز عید است واین واقعه جزئی است کلیه نیست كما في الشامية).